

در گذشتگان

آیه الله کلانتر



حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد موسوی کلانتر - طالب ثراه - یکی از مشاهیر علمای نجف اشرف، و از پیشگامان نظم و اصلاح حوزه به شمار می رفت. معظم له در حدود سال ۱۳۳۵ هـ. ق در سامرا در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم حجة الاسلام سید سلطان کلانتر، یکی از معاریف سادات «آل گوشه» شوشتر و از فضلاء نجف بود.

فقید سعید پس از یادگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات را در زادگاهش فرا گرفت. سپس در ۱۶ سالگی (۱۳۵۱ ق) به نجف رفت و سطوح فقه و اصول و فلسفه را نزد حضرات آیات: شیخ عبداللطیف سماوی تنکابنی (قوانین)، میرزا حسن بیجنوردی (شرح لمعه)، شیخ صدرابادکوبه ای (مکاسب)، شیخ حسین حلی، سید یحیی مدرس یزدی و میرزا آقا اصطهباناتی آموخت و پس از آن به درس آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ کاظم شیرازی، سید حسن بیجنوردی و اولین دوره درس اصول آیه الله خوبی حاضر شد و مبانی

علمی اش را استوار ساخت و این تا سال ۱۳۸۲ ق به طول انجامید.

وی، پس از آن تمام همت خویش را مصروف بنیاد ساختمان عظیم و پرشکوه «جامعه النجف الدینیة» (مسجد، مدرسه و کتابخانه) در زمینی با مساحت ۵۰۰۰ مترمربع (و ۱۳۰۰۰ متر زیرینا) - در چهار طبقه - از مال خالص مرحوم آقای حاج محمدتقی اتفاق (۱۳۲۵-۱۴۲۰ ق) - رحمة الله علیه - نمود و به دنبال آن بود که حرکت اصلاحی در حوزه نجف نضج گرفت و آهنگ تألیف و تدریس و نظم و تجدید و بنیان مدارس جدید در آن حوزه مقدسه سیر شتابان به خود گرفت. او از جامعه النجف، ماهنامه «دراسات اسلامیة» را منتشر ساخت و به تحقیق و اصلاح کتب درسی - مطابق با روح زمان - پرداخت و علاوه بر آن به تعویض برخی از درهای حرم امیرالمؤمنین (ع) (۵ در طلا) و حرم سیدالشهدا (ع) (۳ در طلا) و ساختمان و توسعه حرم جناب کمیل بن زیاد نخعی و نقش اشعار ناب ابن ابی الحدید بر دور ضریح امیرالمؤمنین (ع) به جای اشعار سست بیره ها، اقدام نمود.

وی دارای همتی عالی، سعه صدر، آینده نگری، اخلاقی خوش و خطی زیبا بود و از علوم مختلف اسلامی - فقه، اصول، تاریخ، تراجم، حدیث، ادب، لغت، نجوم و کلام - آگاهی و چیرگی داشت.

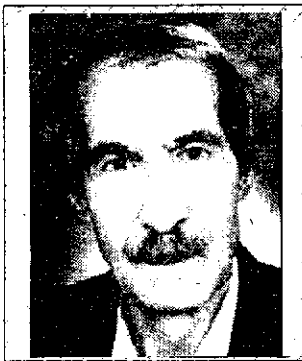
او، پس از بنیاد جامعه، تمام وقتش را بدان اختصاص داد و از بام تا شام به تألیف و تدریس و تربیت طلاب اشتغال داشت و نهج البلاغه و تاریخ اسلام و سطوح را خود

تدریس می کرد و دروس فسوق بر نامه (جامعه شناسی، فلسفه، اقتصاد، زبان و ریاضیات) را هم در متن آن گنجانید.

وی از مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد، و از آیات عظام: میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و محقق اصفهانی اجازه روایت داشت. برخی از تألیفات گرانشنگ او عبارتند از:

۱. تحقیق و شرح «مکاسب» و ملحقات آن - ۲۵ ج - (۱۹ ج تاکنون چاپ شده است)
۲. تحقیق و شرح «لمعه» - ۱۱ ج (جلد اول آن را اخیراً بازبینی کرد و در دو جلد به چاپ رسید)
۳. تحقیق و شرح «کفایة الاصول» - ۶ ج (۱ جلد آن به چاپ رسیده است)
۴. تحریر جدید «کفایة» - (تحریر جلد دوم کفایه به نام «دراسات فی اصول الفقه» در ۲ جلد به چاپ رسیده است)
۵. تحقیق کتاب «جامع السعادات» ملا مهدی نراقی، ۳ ج.
۶. تحقیق کتاب «تذکره الفقهاء» علامه حلی، بخش قضا و شهادت.
۷. البداء عند الشیعة الامامیة
۸. شرح دعاء الصباح
۹. حیاة الشهدین: الاول والثانی
۱۰. حیاة الشیخ الانصاری
۱۱. وقفیة جامعه النجف الدینیة
۱۲. زکات در دین مقدس اسلام و کتاب های غیر چاپی اش عبارت است از:
۱۳. اعلام المکاسب
۱۴. تحقیق و تطبیق کتاب «الوسیط»

استاد لاهوتی (صفا)



استاد حسین لاهوتی، از شعرای برجسته معاصر ایران، پس از یک دوره بیماری طولانی در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

استاد لاهوتی در سال ۱۳۴۶ ق مطابق با ۱۳۰۶ ش در شهر ادب پرور کاشان متولد شد. پدرش آقا علی اکبر کاشانی از افراد خیر و خوشنام آن دیار بود که با چندین واسطه به شاعر و معارف نامی دوره صفوی، ابوتراب بیک فرقی می پیوندد.

لاهورتی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و فراگیری ادبیات عرب در سال ۱۳۲۴ ش به تهران رهسپار شد و ضمن ادامه تحصیل در امور مؤسسات بهداشتی، به استخدام بانک صنعتی درآمد و از سال ۱۳۲۸ ش در سازمان ریشه کنی مالاریا و مبارزه با بیماری های واگیردار به خدمت اداری و اجتماعی اشتغال ورزید، و پس از سپری بیست و پنج سال خدمت بازنشسته شد.

استاد لاهوتی که کلمه (صفا) را به عنوان تخلص برگزیده از نوجوانی به سرودن اشعار تمایل داشت. به همین خاطر در این زمینه از سخنان نامدار کاشان بهره های فراوان برد. سپس مشغول مطالعات و تحقیقات عمیق ادبی گردید و آثار زیادی از شعرای متقدم کاشان را جمع آوری کرد و نیز مقالات و زینی در این مورد به چاپ رساند. لازم به یادآوری است که بنا به حرفه استاد، بسیاری از امور بهداشتی و طرز انتقال بیماری ها را به رشته نظم کشیده است.

استاد، پس از پیروزی انقلاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سمت دبیر شورای شعر برگزیده شد و نیز عضویت شورای شعر همان اداره و همچنین عضویت ستاد اقامه

اصول را از محضر اساتید بلند پایه چون حضرات آیات: حاج سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عباسعلی شاهرودی و درس اسفار را از محضر فیلسوف نامدار سید محمدحسین تبریزی (علامه طباطبائی) بهره مند شد. ایشان ضمن کسب دانش مدت یازده سال در آشتیان و روستای تابع آن - ماسستر - و چندین سال در دوبار زیتون به انجام فعالیت های دینی و مذهبی اشتغال داشت.

استاد سرانجام پس از گذشت دوازده سال تحصیل در حوزه علمیه قم در حدود سال ۱۳۸۷ ق به شهر قزوین بازگشت و فعالیت وسیع و جدی را پیش گرفت، از جمله: تدریس علوم عقلی و نقلی در مدرسه التفاتیه و تربیت جمع زیادی از طلاب، ایراد سخنرانی های دینی و علمی و تنویر افکار عمومی به حدی که از گویندگان و معاریف آن خطه به شمار آمد، اقامه نماز جماعت و بیان تفسیر قرآن در مسجد مهدیه - واقع در خیابان خیام - و تبدیل آن مکان مقدس به یکی از کانون های فعال تبلیغاتی و مراکز فرهنگی و ... می توان اشاره نمود.

از آثار قلمی او:

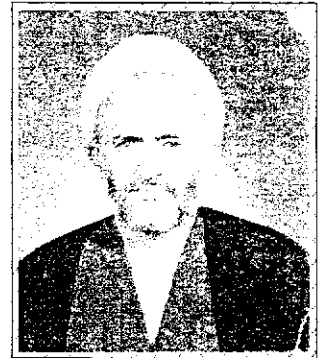
۱. بحث النیة، تقریرات درس آیه الله بروجردی.
 ۲. یادداشت های تفسیری (نگارش مطالب متفرقه زیادی در تفسیر آیات کتاب مجید).
 ۳. رساله ای در فرق میان اصالت وجود و اصالت ماهیت.
- علامه سلیمانی در پی تحمل چند ماه بیماری در جمعه (شب شنبه) ۲۰ محرم ۱۴۲۰ ق مطابق با ۱۷ اردیبهشت ۳۷۸ ش در بیمارستان بوعلی - قزوین - چشم از جهان فرو بست. پیکرش صبح روز یکشنبه با حضور مردم باوفای قزوین از امامزاده اسماعیل (ع) تشییع و پس از ادا نماز میت توسط آیه الله شیخ عبدالرحیم سامت - دام ظلّه - در قبرستان بهشت حسینی - مجاور آستانه مبارکه شاهزاده حسین (ع) - به خاک سپرده شد.

سهنوری - در احوال شخصی - و اثبات آنکه اکثر مطالب آن برگرفته از شرح لمعه و مکاسب - بدون اشاره به این دو - است.

سرانجام آن عالم در آشنای دلسوز و مصلح، صبحگاه روز پنجشنبه آخر شعبان المعظم ۱۴۲۰ ق (۱۸ آذر ۱۳۷۸) در ۸۵ سالگی در جامعه النجف، بدرود زندگی گفت و پیکر پاکش پس از طواف در کربلا، از حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) به سوی جامعه تشییع و پس از نماز آیه الله سیدعلی و عاچ بر آن، در مدخل جامعه به خاک سپرده شد. عاش سعیدا و مات سعیدا.

ناصرالدین انصاری

آیه الله سلیمانی قزوینی



آیه الله حاج شیخ هادی سلیمانی از اعضای هیأت علمیه حوزه قزوین و از اساتید و سخنوران عالیقدر آن دیار، در پی بیماری در سن هشتاد سالگی زندگی را بدرود گفت.

وی در سال ۱۳۴۰ ق مطابق با ۱۳۰۰ ش در روستای (خشکچال) واقع در بخش آلموت قزوین دیده به جهان گشود. و بر اثر تربیت صحیح خانوادگی و اقتباس از پدری دانا و مؤمن - مرحوم حاج محمد ظاهر تاجر آلموتی - از نوجوانی به تحصیل علوم دینی همت گماشت، و پس از آموختن مقدمات در سال ۱۳۶۰ ق به حوزه علمیه قزوین پیوست و از محضر اساتیدی چون: علامه شیخ احمد تألهی (مطول)، علامه سید محمد تنکابنی (شرح لمعه) و آیه الله سید ابوالحسن رفیعی (کفایة الاصول و شرح منظومه) استفاده شایان نمود.

استاد سلیمانی در حدود سال ۱۳۷۵ ق به منظور تکمیل درس های خود به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس عالی خارج فقه و

زنده یاد لاهوتی که از بیماری قلبی رنج می برد سرانجام در دوشنبه (شب سه شنبه) ۴ جمادی ثانی ۱۴۲۰ ق مطابق با ۲۵ مرداد ۱۳۷۸ ش در تهران دارفانی وداع گفت. پیکرش صبح روز چهارشنبه از مقابل تالار وحدت تشییع و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

عبدالحسین جواهر کلام

موارد زیر اشاره کرد:

۱. دیوان اشعار.
۲. منظومه ساغر و سامان.
۳. تضمین ترکیب بند هانف اصفهانی.
۴. تصحیح و تحقیق دیوان نجیب کاشانی (شاعر دوره صفوی).
۵. تدوین و تصحیح دیوان ابوتراب بیک فرقتی (جد اعلای خود).

نماز را عهده دار بود.

مرحوم لاهوتی در انواع شعر - غزل و قصیده و مثنوی و رباعی - طبع آزمایی کرده و بیشتر به غزلسرای می پرداخت و الحق در این شیوه، غزلیاتی شورانگیز و دلنشین به بازار ادب فارسی عرضه داشته است.

از آثار قلمی استاد لاهوتی می توان به

فرهنگی

گزارشی از سی و دومین

نمایشگاه بین المللی کتاب قاهره

سی و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب، در روز ۸/۱۱/۱۳۷۸ با حضور رئیس جمهور مصر گشایش یافت. گفته می شد در این نمایشگاه چهار میلیون کتاب عرضه شده است. بواقع باور این شمارگان برای شنونده اندکی دشوار به نظر می رسد، اما دیدن نمایشگاه قاهره که بیشتر به شهر کتاب مانده است، این غرابت را از ذهن می زداید. نمایشگاه کمأ و کیفاً بسیار عظیم و واقعاً شگفت آور است، اگر بگویم فقط در غرفه «الهیته العامه للكتب» هزاران هزار عنوان کتاب عرضه شده بود، بی گمان اغراق نیست.

گسترده ترین وسعت مکانی و شمارگانی را دو ناشر دولتی بسیار فعال و بزرگ و پیشینه دار خود مصر به عهده داشتند: «الهیته العامه للكتب» و «دار المعارف». شرکت کشورهای اسلامی در این نمایشگاه نیز بسیار چشمگیر بود. ناشران عربستان سعودی که غالباً در نمایشگاه های بین المللی شرکت نمی کنند، در این نمایشگاه با گستردگی کتاب عرضه کرده بودند. سالنهای ناشران غیر عربی نیز بسیار زیاد و گسترده بود و یک سالن بزرگ نیز ویژه ناشران عربی بود که کتاب های غیر عربی چاپ کرده بودند. نمایشگاه قاهره را گروهی (شرکت کنندگان و بازدیدکنندگان) بزرگ ترین نمایشگاه جهان اسلامی می دانند. نکاتی در این نمایشگاه

یادکردنی است:

۱. عناوین و تعداد کتاب، بسیار گسترده و پرتنوع بود، و آثار جدید بویژه به خامه نویسندگان مصری بسیار فراوان. یکی از فاضلان که به کتاب های فقهی و حقوقی نظر داشت، می گفت: بیش از ده عنوان کتاب درباره «قانون و خشونت» و بیش از ده عنوان کتاب درباره «حقوق مؤلفان» و چگونگی حق تألیف و نگارش برای نویسندگان تهیه کرده ام. درباره نظام سیاسی اسلام چگونگی حضور دین در جامعه، تکثیرگرایی در جامعه، چگونگی برخورد اسلام با ادیان و افکار گوناگون و ... فراوان کتاب نوشته شده بود. گو اینکه این آثار غالباً از ژرفایی برخوردار نبودند، اما نشانه توجه نویسندگان به نکات مهم است.

۲. ناشران بگسترده و ظاهرآ بدون هیچ مانع و سانسوری کتاب هایشان را عرضه کرده بودند. این موضوع در این نمایشگاه جلوه خیره کننده ای داشت. کتاب های شیعی با عناوین مختلف و موضوعات مختلف و سمت و سوی های گوناگون در نمایشگاه حضور داشت و این نشان می داد که اگر روابط ایران و مصر به لحاظ سیاسی سامان درستی بیابد، مصر بهترین جای نشر افکار شیعی است. آقاسای صالح وردانی روزنامه نگار و نویسنده تیزهوش و نکته سنج مصری که تشیع را پذیرفته و کتاب های ازجمنندی را غالباً در نقد افکار پیشین خود و منابع و مصادر و افکار اهل سنت نوشته است

(از جمله کتاب های: السیف والسیاسه، صراع بین الاسلام النبوی والاسلام الاموی، الشیعه فی مصر: من الامام علی حتی الامام الخمینی، فقهاء النفط؛ رایة الاسلام السعودی، الخدعه: حقیقه الاسلام بین النص والسیاسه و...) به من گفت تمام کتاب های من را شیوخ الازهر رسماً تحریم کرده اند. با این حال تمام کتاب های آقای وردانی و جدیدترین آنها که در نقد فتاوی بن باز مفتی در گذشته عربستان بود، در نمایشگاه و در غرفه های متعددی به فروش می رفت.

شیوخ الازهر، آقای نصر حامد ابوزید، نویسنده و قرآن پژوه نواندیش مصری را مرتد اعلام کردند و او مجبور به مهاجرت از مصر شد؛ برخی از کتاب های وی را ناشران مصری چاپ کرده اند و برخی را کشورهای دیگر عربی؛ اما در نمایشگاه تمام کتاب های او و کتاب هایی که به نقد دیدگاه های وی پرداخته بودند و نیز کتاب هایی که به طرفداری از او نوشته بودند، وجود داشت. کتاب هایی علیه انور سادات، و گاه به تجلیل از او، کتاب هایی در تجلیل از خالد اسلامبولی، کتاب هایی درباره اخوان المسلمین افکار و اندیشه های آنان، فسران و ... در این نمایشگاه عرضه شده بود. و این نشانگر تسامح شگفت بانیان فرهنگی کشور مصر بود و نمایشگاه را به حق جایگاه عرضه اندیشه و کتاب کرده بود.

۳. شرکت کنندگان مصری بسیار گسترده بودند؛ هر چند خرید گسترده نبود.